

Factors affecting to increase the educational quality of postgraduate Azad University courses Faculty of Educational Sciences (Roodehen branch case study)

Hassan Shahraki Pour

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Roodehen, Iran

Abstract

Considering the importance of education and its decisive role in promoting the University quality level, This study aimed to identify factors affecting to increase the educational quality of postgraduate Azad University courses in Roodehen branch, Faculty of Educational Sciences. This research was a descriptive survey approach. The study population consisted of all graduate students in the Faculty of Educational Sciences, Roudehen branch, Azad University, with the total of 255 students in 2010-2011. The statistical sample was 152 subjects, determined based on the Morgan table. Questionnaire was developed to collect data. The questionnaire included 27 Likert scale was at option 5 Cronbach's alpha reliability coefficient using 0.78, respectively. Questionnaire and research data have been analyzed and described in two descriptions' levels by the use of central field, criteria, the variety distribution table, and also in analytic statistic variants. For data analysis, descriptive and inferential statistics were used in SPSS software. Results of analysis of the data showed factors such as equipping the classrooms with modern technology, doing researches, changing the educational content, teaching of the faculty and their professional development. It is obvious that the identification of these factors alone are not enough and should be noted to their organizing due to the diagnosis of their condition in the quality of postgraduate education.

Key words: Higher Education, Educational quality, Method of teaching, Educational content

عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد دانشکده علوم تربیتی (مطالعه موردی واحد رودهن)

حسن شهرکی پور*

استادیار گروه علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

چکیده

با توجه به اهمیت آموزش و نقش تعیین کننده آن در ارتقای سطح کیفی دانشگاه، این پژوهش با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد رودهن انجام شده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی با رویکرد پیمایشی است و جامعه آماری آن شامل کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد رودهن به تعداد ۲۵۵ نفر در سال ۸۸ - ۸۹ می‌شود. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان به تعداد ۱۵۲ نفر تعیین شد و روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای بود. به منظور گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای محقق ساخته تدوین گردید که شامل ۲۷ گویه ۵ گزینه‌ای درمقیاس لیکرت است و ضریب پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی در محیط نرم افزار SPSS استفاده شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان دادند که عواملی مانند تجهیز کلاس‌ها به تکنولوژی نوین، انجام پژوهش، تغییر محتوای آموزشی، تدریس استادان و توسعه حرفه‌ای آنان، همگی به میزان نسبتاً زیادی در افزایش کیفیت آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد مؤثر هستند. پژوهش حاضر حاکی از آن است که برخی از این عوامل عبارتند از: شیوه تدریس استادان، آموزش و پژوهش، تکنولوژی‌های نوین و توسعه حرفه‌ای استادان. روشن است که تنها شناسایی این عوامل کافی نیست، بلکه باید به سازماندهی آنها با توجه به تشخیص وضعیتشان در کیفیت آموزش دانشگاهی نیز توجه نمود.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، کیفیت آموزشی، شیوه تدریس، محتوای آموزشی

* نویسنده مسؤل: حسن شهرکی پور HshahraKipour44@gmail.com

پذیرش: ۹۱/۶/۱۹

وصول: ۹۱/۵/۳

مقدمه

آموزش عالی محور اصلی توسعه است. از این رو نیازمند توجه بنیانی و برنامه ریزی مبتنی بر توانمندی‌های ذاتی خود است. همچنین محل تولید و انباشت دانش و ابزار اصلی انتقال میراث فرهنگی شمرده می‌شود. در واقع آموزش عالی را از ارکان اصلی تضمین کننده امنیت ملی و وحدت آفرینی در قرن آینده دانسته‌اند. سیاست ایجاد وحدت، انسجام و همگونی به نظام سیاسی و دولت خاصی محدود نمی‌شود و با توجه به این که آموزش عالی تأمین کننده منافع ملی ایران است در شکل کلی خود مورد توجه دولت‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است (فراست‌خواه، ۱۳۸۹).

آموزش عالی با جریان‌های ضد و نقیضی در جهان امروز روبه‌روست. چنان که به اعتقاد صاحب نظران این حوزه، آموزش عالی دچار وضعیت «فوق پیچیدگی» (Comiexity) شده است. این رویکرد باعث شده است که آموزش عالی به عنوان یک نقطه کانونی که پیشرفت جوامع را در سایر زمینه‌ها نیز تضمین می‌کند، توجه بسیاری را به خود جلب کند. به همین دلیل کشورها بر آن شدند تا نظام آموزش عالی خود را تا سر حد توان گسترش دهند. از این رو درک اهمیت آموزش عالی از سوی کشورهای جهان باعث شده است تا توسعه آموزش عالی در اولویت سیاست گذاری‌های آموزشی آنها قرار گیرد (Bornmann, 2010).

این جریان‌ها، ادراک و احساس ما را نسبت به وضع کنونی دانشگاه و آینده آن با ابهام، پیچیدگی و دوگانگی شدیدی روبه‌رو کرده و احساس دوگانه بیم و امید نسبت به تحولات آموزش عالی در سطح جهان به وجود آورده است. از یک سو خرسندیم که هر روز بر شمار دانشگاه‌ها و دانشجویان افزوده می‌شود و با «بسط فرصت‌های آموزشی»، عدالت آموزشی گسترش می‌یابد و امکان توزیع عادلانه‌تر قدرت و ثروت در جامعه فراهم می‌شود. اما در عین حال این امر می‌تواند به روند نابرابری‌های موجود بیافزاید و بیم آن می‌رود که «محرومان همچنان محروم بمانند» و آموزش عالی «دور باطل» نابرابری‌های اجتماعی را همچنان بازتولید کند. یونسکو در سال ۱۹۹۲ اذعان نمود که آموزش عالی که قبلاً منحصر به پرورش تعدادی از نخبگان بود، گسترش

قابل توجهی یافته و مشکل مشارکت بیشتر اقشار مختلف در برخورداری از آموزش دانشگاهی، متحول شده است. علاوه بر این، از دانشگاه انتظار می‌رود که پاسخ‌گوی جامعه باشد. این پاسخ‌گویی شامل فراهم آوردن فرصت‌های آموزش عالی، متناسب برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه و فراهم آوردن آموزش دانشگاهی با کیفیت مطلوب است (عالیشوندی، ۱۳۹۰).

بحث کیفیت برای دانشگاه و آموزش عالی در جهان، به یک جهت از نیمه دوم قرن بیستم به ویژه حوالی دهه ۸۰ شدت گرفته است. زیرا علت وجودی دانشگاه و آموزش عالی (بر اثر عواملی مانند شرایط رقابتی، بازتعریف نقش دولت، جهانی شدن ظهور اقتصاد و دانش و ...) عمیقاً در حال تحول بود و باید اهداف خود را (به ویژه با توجه به تحولات علمی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات و تقاضاهای نو پدید جهان کار)، از نو تعریف کند و متناسب بودن عملکردش را با این اهداف، به طور مداوم مورد پایش ارزیابی قرار دهد (Brennan and Shah, ۲۰۱۰).

دانشگاه‌ها شاخص اصلی پیشرفت یک کشور به شمار می‌روند و موجبات رقابت پویایی یک کشور را در منطقه و جهان فراهم می‌کنند. بنابراین تقویت کیفیت آموزش عالی اساس همکاری‌های علمی بین المللی و تقویت کشور در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی است. آموزش عالی در ایران تاریخچه کوتاهی دارد. به عنوان مثال، دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ با جذب ۱۴ دانشجو تأسیس شد و هم اکنون تعداد دانشجویان کشور به ۲ میلیون نفر افزایش یافته است. گسترش آموزش عالی بیش از هر چیز نشان دهنده خواسته مردم برای کسب علم در جهت بهبودی زندگی خود و دیگر افراد جامعه است (آراسته، ۱۳۸۹). کیفیت یکی از موضوعاتی است که همیشه در آموزش عالی مورد توجه بوده، اما شدت و قوتش متفاوت است. از دهه ۹۰ به بعد کیفیت از یک وضعیت حاشیه‌ای به یک مسأله برجسته و قابل توجه در کنار مسائل مالی تبدیل شده است. این مفهوم در آموزش عالی نسبت به سایر حوزه‌ها، بحث برانگیزتر و تصورات نسبت به آن متنوع‌تر است. آموزش عالی همیشه زمینه محور بوده، لذا تصورات موجود پیرامون کیفیت در آموزش عالی متمرکز به زمینه (محیط) است.

کیفیت از یک نظریه عمومی یا یک الگوی کلی به دست می‌آید. (Malcolm, 2009)

از جمله تجربه‌های قابل توجه در سایر کشورها، تشکیل نهاد کیفیت دانشگاه‌های استرالیا است. این نهاد در سال ۲۰۰۱ میلادی تأسیس شد. تأسیس این نهاد را دولت فدرال استرالیا به عمل آورد، دولت‌های ایالتی نیز سهم زیادی در به انجام رساندن آن ایفا کرده‌اند. بازخورد دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی که تا کنون مورد ممیزی قرار گرفت اند، نشان می‌دهد که فرایند تضمین کیفیت به وسیله نهاد یاد شده بهبود کیفیت را در مراکز آموزش عالی میسر کرده است (Inqahe, 2010). بالاخره انجمن دانشگاه‌های اروپا، به عنوان نماد آموزش عالی اروپا نهادی است که در سال ۲۰۰۱ با عضویت دانشگاه‌های اروپا تشکیل شد. از جمله رسالت‌های این نهاد، یاری دادن به ایجاد ساز و کار تضمین کیفیت در دانشگاه‌های اروپاست. این نهاد، دانشگاه‌های داوطلب در کشورهای اروپایی را یاری می‌دهد تا به ارزیابی درونی خود بپردازند. سپس ارزیابی برونی دانشگاه داوطلب را سازمان می‌دهد و به قضاوت پیرامون کیفیت آنها م‌پردازد. مهمترین اقداماتی که این انجمن برای بهبود کیفیت آموزش عالی به عمل می‌آورد، عبارت است: از یاری دادن به ظرفیت سازی برای مدیریت راهبردی در دانشگاه‌های اروپا از طریق انجام ارزیابی درونی و برونی.

کیفیت نظام‌های آموزش عالی در اغلب کشورهای جهان تحت تأثیر عوامل چندگانه‌ای قرار گرفته است؛ از جمله این عوامل م‌توان به برخی روندهای ناشی از جهانی شدن اشاره کرد؛ برای مثال، استفاده بیش از پیش از نوآوری‌های علمی در توسعه اقتصادی (دانش محور شدن اقتصاد) و عرضه آموزش عالی بدون توجه به مکان و زمان (آموزش عالی بدون مرز) را می‌توان نام برد. در کشورهای در حال توسعه نه تنها روندهای یاد شده بر آموزش عالی اثر گذاشته‌اند، بلکه آثار نامطلوبی هم به بار آورده‌اند. از آن جمله می‌توان به ایجاد بازار جهانی برای نیروی انسانی متخصص و تشدید فرار مغزها اشاره کرد. با در نظر گرفتن این امر، توجه به کیفیت آموزش عالی در این کشورها می‌تواند تأثیر دوگان ای داشته باشد، از یک سو توسعه

تعیین و تنظیم آن در غالب یک چهارچوب خاص، مشکل است. در آموزش می‌توان کیفیت را حذف خطاها، اجتناب از اشتباه، ارائه خدمات کامل به وسیله مؤسسه و کادر آموزشی، بهبود دائمی جریان تدریس و یادگیری، توانایی در ارضای نیازهای دانشجویان، تضمین قابلیت دسترسی به آموزش، اثر بخشی و در نهایت مطابقت با استانداردها دانست (Biling, 2010).

تعاریف گوناگونی از کیفیت شده است از جمله: اکلند کیفیت را چنین تعرف می‌کند، «مجموعه ویژگی‌ها و خصوصیات یک فراورده یا حذف که نمایانگر توانایی آن در بر آوردن خواسته‌های بیان شده و یا اشاره شده باشد» (Vlasceanu, 2009).

شبکه بین المللی نهادهای تضمین کیفیت در آموزش عالی نیز دو تعریف از کیفیت در آموزش عالی به دست داده است. در این تعریف‌ها، «کیفیت عبارت است از sa تطابق وضعیت آموزش عالی با، الف - استانداردهای از قبل تعیین شده و ب - رسالت، هدف. انتظاراتها «به این ترتیب، کیفیت در آموزش عالی حالت ویژه‌ای از نظام آموزش عالی است. این حالت، نتیجه یک سلسله اقدامات و عملیات مشخص است که پاسخ‌گویی نیازهای اجتماعی معین در یک نقطه زمانی خاص باشد.

هر چند از مفهوم کیفیت در آموزش عالی تعریف‌های گوناگونی عرضه شده، اما ساده‌ترین تعریف کیفیت در آموزش عالی «مناسب بودن برای هدف ویژه» است (Archer, 2010). کیفیت در آموزش عالی با دستیابی به اهداف و کسب با تأثیر استانداردهای عمومی و قابل قبول مرتبط است و تضمین کیفیت به معنای وجود برنامه ریزی و بررسی منظم آن برنامه به منظور تعیین استانداردهای قابل قبول در آموزش، پژوهش و ساختار سازمانی است که در حال حاضر وجود دارد و افزایش خواهد یافت (مدهوشی، ۱۳۸۸).

از نظر یونسکو کیفیت در آموزش عالی مفهومی چند بعدی است که به میزان زیادی به وضعیت محیطی نظام دانشگاهی، مأموریت یا شرایط و استانداردهای رشته دانشگاهی بستگی دارد. بر این اساس نمی‌توان گفت که

پژوهش به چهار نفر از استادان گروه علوم تربیتی و سه نفر از استادان گروه علوم اجتماعی داده شد و از آنان خواسته شد نظرات خود را در مورد سؤال‌ها اظهار نمایند. در این بررسی سؤالات نامناسب حذف و برخی از سؤالات مبهم در ابعاد و محل مناسب‌تر قرار گرفت. پس از ارزیابی روایی محتوا و تأیید آن از سوی استادان راهنما و مشاور برای به دست آوردن پایایی، پرسشنامه در اختیار ۳۰ نفر از دانشجویان که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند قرار گرفت و ضریب اعتبار آلفای کرونباخ برابر ۰.۷۸۹۱ محاسبه گردید. روش آلفای کرونباخ برای محاسبه هم‌اهنگی و همسانی درونی پرسشنامه یا آزمون‌هایی که ویژگی‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند، به کار می‌رود.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: آیا بین تجهیزات کلاس‌های آموزشی با تکنولوژی‌های نوین و کیفیت آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد رابطه وجود دارد؟
با توجه به جدول شماره ۲ و میزان t به دست آمده (۱۷/۳۸۵) که در سطح $a=0/05$ معنادار است و انحراف معیار ۰/۴۷۲ است، این نتیجه گرفته می‌شود که میانگین تجربی حاصل از داده‌های مربوط به پرسش اول پژوهش ۳/۶۶ با میانگین نظری طیف لیکرت (۱۵) تفاوت معناداری دارد. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که تجهیزات کلاسی با تکنولوژی نوین در بالا بردن کیفیت آموزشی تأثیر دارد.
سؤال دوم پژوهش: آیا بین آموزش و پژوهش در ارتقای کیفیت آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد ارتباط وجود دارد؟

با توجه به جدول شماره ۲ و میزان t به دست آمده (۲۴/۰۷۵) که در سطح $a=0/05$ معنادار است و انحراف معیار ۰/۳۹۶ است، این نتیجه گرفته می‌شود که میانگین تجربی حاصل از داده‌های مربوط به پرسش دوم پژوهش ۳/۷۷ با میانگین نظری طیف لیکرت (۱۵) تفاوت معناداری دارد. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که انجام پژوهش در ارتقای کیفیت دانشجویان ارشد تأثیر دارد.

سؤال سوم پژوهش: آیا بین تغییر محتوای آموزشی و ارتقای آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد ارتباط وجود دارد؟

پایدار را تسهیل کند و از سوی دیگر عوامل مؤثر در تشدید فرار مغزها را کاهش دهد. تجربه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که ارزیابی کیفیت آموزش عالی در آمریکا که تحت عنوان اعتبارسنجی انجام می‌شود، با توجه به ویژگی‌های رویکردی می‌تواند، اعتبارسنجی - فرهنگی و شرایط اقتصادی مؤثر در بهبود کیفیت در آن کشور باشد. کشورهای اروپایی با توجه به شرایط فرهنگی و ویژگی‌های آموزش عالی خود بیشتر از شیوه ممیزی کیفی در آموزش عالی استفاده می‌کنند (Wood house, 2010). از این رو، این پژوهش با توجه به مطالب گفته شده، در صدد بررسی شناخت عوامل مؤثر در افزایش کیفیت آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی با رویکرد همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد رودهن به تعداد ۲۵۵ نفر در سال ۸۸ - ۸۹ بود حجم نمونه بر اساس جدول مورگان به تعداد ۱۵۲ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای بود. شرح نمونه پژوهش در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱ - حجم نمونه دانشجویان به تفکیک گروه‌ها

گروه‌ها	جامعه آماری	نمونه آماری
برنامه ریزی	۶۳	۳۷
مدیریت	۵۲	۳۱
مشاوره	۶۶	۴۰
تحقیقات	۴۳	۲۶
تاریخ و فلسفه	۳۱	۱۸

به منظور گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای محقق ساخته تدوین گردید تا دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد را پیرامون عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت آموزشی را مورد بررسی قرار دهد. پرسشنامه مذکور شامل ۲۷ گویه ۵ گزینه‌ای در مقیاس لیکرت است. پس از تنظیم پرسشنامه در دو مرحله بررسی مقدماتی بر روی آن انجام گرفت و در مرحله اول، برای تعیین روایی؛ پرسشنامه همراه سؤالات

با توجه به جدول شماره ۲ و میزان t به دست آمده (۳۲/۶۴۹) که در سطح $a=0/05$ معنادار است و انحراف معیار ۰/۴۸۳ است، این نتیجه گرفته می‌شود که میانگین تجربی حاصل از داده‌های مربوط به پرسش سوم پژوهش ۴/۲۷ با میانگین نظری طیف لیکرت (۱۸) تفاوت معنی‌داری دارد. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که تغییر محتوای آموزشی در بالابردن کیفیت تأثیر مهم و معناداری دارد.

سؤال چهارم پژوهش: آیا بین شیوه تدریس استادان و کیفیت آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد ارتباط وجود دارد؟

با توجه به جدول شماره ۲ و میزان t به دست آمده (۴۷/۶۱۶) که در سطح $a=0/05$ معنادار است و انحراف معیار ۰/۴۱۰ است، این نتیجه گرفته می‌شود که میانگین تجربی حاصل از داده‌های مربوط به پرسش چهارم پژوهش ۴/۵۸ با میانگین نظری طیف لیکرت (۱۵) تفاوت معناداری دارد. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که شیوه تدریس استادان در ارتقای کیفیت آموزشی تأثیر مهم و معناداری دارد.

جدول ۲- آزمون تک نمونه‌ای برای سؤالات پژوهش

فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین جامعه	حد پایین	حد بالا	تفاوت میانگین	سطح معناداری	آزمون t	درجه آزادی	خطای استاندارد میانگین	انحراف معیار	میانگین تجربی	میانگین نظری	سؤالات پژوهش
											۰/۷۴۱
۸۳۸/۰	۷۱۱/۰	۷۷۵/۰	۰۰۰/۰	۰۷۵/۲۴	۱۵۱	۳۲۱/۰	۳۹۶/۰	۷۷/۳	۱۵	۲- آیا بین آموزش و پژوهش در ارتقای کیفیت آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد رابطه وجود دارد؟	
۳۵۷/۱	۲۰۲/۱	۲۷۹/۱	۰۰۰/۰	۶۴۹/۳۲	۱۵۱	۳۹۱/۰	۴۸۳/۰	۲۷/۴	۱۸	۳- آیا بین تغییر محتوای و ارتقای آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد ارتباط وجود دارد؟	
۶۵۱/۱	۵۱۹/۱	۵۸۵/۱	۰۰۰/۰	۶۱۶/۴۷	۱۵۱	۰۳۳/۰	۴۱۰/۰	۵۸/۴	۱۵	۴- آیا بین شیوه تدریس و کیفیت آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد رابطه وجود دارد؟	
۵۲۱/۱	۳۸۳/۱	۴۵۲/۱	۰۰۰/۰	۶۶۲/۴۱	۱۵۱	۰۳۴/۰	۴۲۹/۰	۴۵/۵	۱۸	۵- آیا بین توسعه حرفه‌ای استادان (آموزش ضمن خدمت، کارگاه‌ها، سمینارها و روش‌های نوین تدریس) و کیفیت آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد رابطه وجود دارد؟	

این زمینه، به طور کلی نشان می‌دهد که ارائه منابع جدید علمی در هر درس، ارائه منابع متعدد برای هر واحد درسی، کاهش تعداد دروس نظری و افزایش واحدهای عملی، تنظیم محتوای دروس با توجه به علایق و نیازهای واقعی فراگیران همه از مواردی هستند که باید در سازماندهی محتوا مورد توجه و بررسی قرار گیرد تا زمینه ساز برای ارتقای کیفیت آموزشی شود.

در بررسی سؤال چهارم پژوهش مبنی بر شیوه تدریس استادان و کیفیت آموزشی پس از تجزیه و تحلیل نتایج ارتباط میان آن عامل و کیفیت آموزشی مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه این پژوهش با پژوهش ایزی (۱۳۸۶) و چن و همکاران (chain and etl, 209) همسو است. تناسب روش تدریس با توانایی‌های دانشجویان، انتخاب شیوه تدریس متناسب با موضوع درسی و مفاهیم کلیدی و اصلی هر درس از مسائلی هستند که مدرس کلاس باید در انتخاب شیوه تدریس برای ارائه درس بدان‌ها توجه داشته باشد. همچنین تأثیر شیوه تدریس در ایجاد انگیزه در دانشجویان به منظور فعالیت علمی بیشتر برای درک عمیق‌تر از دیگر مواردی است که باید برای ارتقای کیفیت آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

در بررسی سؤال پنجم پژوهش مبنی بر توسعه حرفه‌ای استادان و کیفیت آموزشی پس از تجزیه و تحلیل نتایج تأثیر این عوامل بر کیفیت آموزشی مؤثر شناخته شد. نتایج این پژوهش با بررسی‌های میر کمالی نزدیک است. توانایی و مهارت استادان در به کار گیری فناوری و روش‌های جدید در امر آموزش برای ارائه دروس تخصصی و توانایی ایجاد خلاقیت و نوآوری در امر انتقال دانش علمی از مواردی هستند که باید در ارتقای کیفیت آموزشی مد نظر قرار گیرد.

اهمیت آموزش عالی با کیفیت بالا در رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی کشور بر هیچ کس پوشیده نیست. کیفیت آموزش در دوره‌های دانشگاهی از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد. پژوهش حاضر نشان داد که برخی از این عوامل عبارتند از شیوه تدریس استادان، آموزش و پژوهش، تکنولوژی‌های نوین و توسعه حرفه‌ای استادان. آشکار است که تنها شناسایی این عوامل کافی نیست بلکه

سؤال پنجم پژوهش: آیا بین توسعه حرفه‌ای استادان و کیفیت آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد ارتباط وجود دارد؟

با توجه به جدول شماره ۲ و میزان t به دست آمده (۴۱/۶۶۲) که در سطح $a=05$ معنادار است و انحراف معیار $0/429$ است، این نتیجه گرفته می‌شود که میانگین تجربی حاصل از داده‌های مربوط به پرسش پنجم پژوهش $4/45$ با میانگین نظری طیف لیکرت (۱۸) تفاوت معناداری دارد. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که توسعه حرفه‌ای استادان در ارتقای کیفیت آموزشی تأثیری به سزا و رابطه‌ای معنادار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور بررسی سؤال اول مبنی بر اینکه بین تجهیزات کلاس‌های آموزشی به تکنولوژی‌های نوین و کیفیت آموزشی پس از تجزیه و تحلیل نتایج رابطه میان این عوامل مورد تأیید قرار گرفت. بدین معنا که تکنولوژی‌های نوین آموزشی بر کیفیت آموزشی تأثیر به سزایی دارد. نتایج این پژوهش با بررسی‌های یمی (۱۳۸۸)، ریئس دانا هم‌خوانی دارد. بنابراین می‌توانیم بگوییم که تکنولوژی‌هایی نوین مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات، سایت‌های آموزشی، استفاده از رایانه، کلاس‌های نرم و راحت و کتابخانه‌های الکترونیکی همگی نقش به سزای در افزایش کیفیت آموزشی دارد.

در بررسی سؤال دوم پژوهش مبنی بر تأثیر آموزش و پژوهش در ارتقای کیفیت آموزشی تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد که این عوامل بر کیفیت آموزشی مؤثر است. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های محمدی، شعبانی هم‌خوانی دارد. لذا می‌توان گفت که آموزش‌های خوب مرتبط با اهداف آموزش عالی و نیز پژوهش در زمینه‌های گوناگون آموزشی می‌تواند در بالا بردن کیفیت آموزشی نقش مهمی داشته باشد.

در بررسی سؤال سوم پژوهش مبنی بر تغییر محتوای آموزشی و ارتقای کیفیت آموزشی تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که این عوامل در کیفیت آموزشی مؤثر است و این نتایج با یافته‌های پژوهشی هاشمیان نژاد و پینکاس ارتباط نزدیک دارد. نتایج تحقیقات انجام شده در

Brennan, John and T. Shah (2010) Managing Quality in Higher Education. An international perspective on institutional assessment and change. Buckingham, OECD, SRHE and Open University Press.

Woodhouse, D. (2010). Quality Improvement through Quality Audit. Quality in Higher Education: 133-140.

-Louise Archer (2010), Diversity, equality and higher education: a critical reflection on the ab/uses of equity discourses within widening participation, Journal of Teaching in Higher Education, Vol. 12, Nos. 5_6, October/December, pp. 635_65

F. Malcolm (2009). Is the Four-Stage Model of Quality Evaluation Always Appropriate? Athens International Conference: Demonstrating Quality in Higher Education.

INQAAHE (2010). Quality Assurance Agencies: International Network for Quality in Higher Education H

Biling, D. (2010). International Comparisons and Trends in External Quality Assurance of Higher Education: Commonality or Diversity?, Higher Education, Vol. 47, No. 1, pp. 113-137.

Bornmann et al (2010). Quality Assurance in Higher Education – Meta-Evaluation of Multi-Stage Evaluation Procedures in Germany, Higher Education, Vol. 52, No. 4, pp. 687-709.

Vlasceanu, L. (2009). Quality Assurance and Accountability: Navigating Between Scylla and Charybdis: Papers on Higher Education Bucharest: UNESCO-CEPES.

باید به سازماندهی این عوامل با توجه به تشخیص وضعیت آنها در کیفیت آموزش دانشگاهی نیز توجه نمود. لذا لازم است که در این راستا تمهیداتی اندیشیده شود، نظام آموزشی موضوع کیفیت آموزش‌های دانشگاهی را آن گونه که در واقعیت وجود دارد، به صورت ملموس - نه به صورت آنچه در چارچوب آیین نامه‌های آموزشی وزارت مربوطه وجود دارد - درک کنند.

در پایان به برخی از پیشنهادات که بر اساس یافته‌های پژوهش به دست آمده است اشاره می‌شود.

- استفاده از تجهیزات کمک آموزشی مانند کامپیوتر، ویدئو، اینترنت و ... برای ارتقای سطح علمی دانشجویان.

- ایجاد بستر مناسب به منظور تشویق دانشجویان به انجام فعالیت‌های پژوهشی.

- به روز شدن منابع درسی و مواد درسی
- هم‌خوانی بین محتوای دروس با علایق و نیازهای دانشجویان.

- تناسب بین شیوه‌های تدریس و مواد درسی مربوطه به هر درس.

- استفاده از شیوه تدریس مانند کار گروهی، یادگیری مشارکتی و حل مسأله برای تدریس دروس.

منابع

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۵). همکاری‌های بین‌المللی آموزش عالی در ایران و چگونگی بهبود آن. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- عالیشوندی، اقدس (۱۳۹۰). بررسی سیاست‌های پذیرش دانشجویان بومی از منظر دانشجویان و مدیران/ارشد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران.
- فراست‌خواه، مقصود (۱۳۸۹). آینده اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی ایران مدلی برآمده از نظریه مبنایی (GT). مؤسسه پژوهش آموزش عالی. صص ۹۴ - ۶۷.
- مدهوشی، مهرداد. محمد رضا زالی، نسیم نجیمی (۱۳۸۸). تشکیل خانه کیفیت در نظام آموزش عالی (مطالعه موردی، مقطع دکتری مدیریت دانشگاه دولتی). فصلنامه پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزش عالی، شماره ۵۱، صص ۱۵۴ - ۱۲۱.